

واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کردی سورانی: تعامل با حروف اضافه

بتول علی نژاد^۱

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

صادق محمدی بلبان آباد^۲

دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۱

چکیده

متمم‌های حروف اضافه در گویش کردی سورانی می‌توانند همواره به صورت سازه‌های نحوی همچون گروه اسمی، ضمائر مستقل و واژه‌بست ظاهر شوند. تحقق متمم‌ها به صورت گروه اسمی یا واژه‌بست تابع دو نوع حروف اضافه‌ی ساده و مطلق است. گروه اسمی و ضمائر مستقل به همراه حروف اضافه ساده و واژه‌بست‌ها به همراه حروف اضافه مطلق می‌آیند. متمم‌های حروف

1. Email: <mailto:batoolalinezhad@yahoo.com>

2. Email: sdghmohamadi@gmail.com

اضافه مطلق می‌توانند از هسته خود جدا شده و به سمت راست یا چپ حوزه مورد نظر حرکت کنند. در زمان گذشته افعال متعدی حرکت واژه‌بست به سمت راست بوده و همزمان با این حرکت به ضمیر وندی تغییر ماهیت می‌دهد و به فعل جمله می‌چسبد. در صورت حرکت به سمت چپ به اولین سازه در درون گروه فعلی VP اضافه می‌شود که به واژه‌بست جایگاه دوم (Second position) معروف است. حرکت واژه‌بست به سمت راست به مقوله میزبان و حرکت به سمت چپ به جایگاه میزبان حساس است که آرایش اول از نوع وندی و آرایش دوم از نوع واژه‌بستی است. به همین دلیل ضمائر متصل در کردی به دو دسته ضمائر واژه‌بستی و ضمائر وندی تقسیم شده است. دیدگاه کلیونز قادر است به درستی جهت و میزان حرکت واژه‌بست‌ها را با استفاده از پارامتر اول (P1) به درستی تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: حروف اضافه مطلق، واژه‌بست جایگاه دوم، واژه‌بست

ضمیری، ضمائر وندی.

۱- مقدمه

کلاونز (۱۹۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «استقلال نحو و واج‌شناسی در فرایند واژه‌بست افزایشی (Cliticization)» و اندرسون (۲۰۰۵) در کتاب خود با عنوان «جنبه‌هایی از نظریه واژه‌بست» به بررسی تعامل واژه‌بست‌ها با سایر مقولات زبانی پرداخته‌اند و معتقدند این عناصر به ظاهر کوچک آن قدر پراهمیت هستند که زبانشناسان بسیاری بر اساس مطالعه‌ی آنها مقالات متعددی نوشته یا مدرک دکتری خود را اخذ نموده‌اند. واژه‌بست‌ها به طور اعم، و واژه‌بست‌های ضمیری (pronominal clitics) به طور اخص در زبان‌های مختلف مطالعه شده‌اند (اندرسون ۱۹۹۲، ۲۰۰۵؛ زویکی ۱۹۷۷؛ زویکی و پولام ۱۹۸۳؛ کلاونز ۱۹۸۲، ۱۹۸۵، ۱۹۹۶؛ بورر ۱۹۸۶؛ باور ۱۹۹۶؛ ایخن والد ۲۰۰۳). در مورد مطالعه‌ی واژه‌بست‌ها در زبان فارسی به طور اعم شقاقی (۱۳۷۶) و در مورد واژه‌بست‌های ضمیری راسخ‌مهند (۱۳۸۶، ۱۳۸۹) می‌توان نام برد. با این وصف، میزان توجه به مطالعه‌ی

واژه بست‌ها در زبان کردی سورانی^۳ بسیار کم بوده و می‌توان تنها به مکنزی (۱۹۶۱) اشاره کرد. واژه‌بست‌های ضمیری در زبان کردی دارای توزیع گوناگونی هستند. این عناصر می‌توانند پس از مقولات اسم، فعل و حرف اضافه ظاهر شوند. مثال‌های زیر این توزیع را نشان می‌دهد.

1. a. xwârd=im.

واژه‌بست اش م- خورد

"خوردم."

b. kiteb=aka=m

واژه‌بست اش م= معرفه= کتاب

xwend.

خواند

"کتاب را خواندم."

c. pê=t

واژه‌بست اش م= به

a-lê-m.

اش م- گو- اخباری

"به تو می‌گویم."

نگارنده قصد دارد در این مقاله به بررسی نقش واژه‌بست‌ها در تعامل با حروف اضافه بپردازد و سعی خواهد کرد، تعامل بین حروف اضافه، واژه‌بست‌ها و رفتارهای خاصی را که این دو مقوله نسبت به هم دارند تبیین نماید. همچنین با استفاده از دیدگاه کلاونز نشان دهد که حرکت واژه‌بست‌ها در این زبان در دو جهت مخالف تابع یک پارامتر خاص است. به همین دلیل در بخش دوم به معرفی ضمائر متصل و واژه‌بست‌های ضمیری در این زبان خواهد پرداخت. در بخش سوم حروف اضافه و انواع آن و در بخش چهارم دیدگاه کلاونز را به اختصار معرفی خواهد کرد. در بخش پنجم تعامل بین واژه‌بست‌ها و حروف اضافه را در چارچوب دیدگاه کلاونز تشریح خواهد کرد. بخش ششم مقاله نتیجه‌گیری است.

۲- واژه‌بست‌های ضمیری

مکنزی (۱۹۶۱: ۷۳) ضمائر شخصی را در زبان کردی سورانی دارای شش صیغه می‌داند و هر کدام از این ضمائر را به دو صورت منفصل و متصل تقسیم می‌کند. ایشان ضمائر منفصل شخصی را در این زبان چنین معرفی می‌کند:

2. min tô aw

(h)êma

êwa

awân

ضمیر متصل در صیغه‌های مفرد به دو شکل دیده می‌شود: نوع اول بعد از کلمات مختوم به همخوان و نوع دوم بعد از کلمات مختوم به واکه قرار می‌گیرند. در صیغه اول شخص و دوم شخص مفرد واکه‌ی ضمیر متصل حذف می‌شود یا در واکه‌ی پایانی کلمه قبلی ادغام

۱. گویشی سورانی به همراه گویش کرمانجی دو شاخه اصلی زبان کردی میباشند. گویشی سورانی در استان کردستان و خیشهایی از آذربایجان غربی به آن تکلم میشود. ما در این مقاله گویشی کردی سورانی را به اختصار کردی سورانی مینامیم.

می‌گردد. در صیغه سوم شخص مفرد واکه به دلیل مجاورت با واکه‌ی پیشین به غلت (y) (glide) تبدیل می‌شود. تعامل بین واکه‌ها در مرز کلمات و واژه‌بست‌ها را می‌توان در مثال زیر مشاهده کرد. (علامت = مرز بین واژه‌بست‌ها و علامت - مرز بین وندها را نشان می‌دهد.)

3. a. tere+ im = terem tere=m xwârd.

"انگور خوردم." خورد واژه‌بست ۱ش م = انگور

b. tere + i = tere=y tere=y xwârd.

"او انگور خورد." خورد واژه‌بست ۳ش م = انگور

مکنزی (همان: ۷۷) ضمائر شخصی متصل را به دو گروه پسوند ضمائر شخصی (personal pronouns) و ونده شخصی (personal affixes) تقسیم می‌کند. ایشان نقش‌های زیر را برای پسوند ضمائر شخصی در نظر می‌گیرد.

الف) در نقش اضافی مانند: کتابم kiteb=ak=am

ب) در نقش مفعول مستقیم مانند: ما را می‌برند. â-mân ban

پ) در نقش فاعل فعل متعدی زمان گذشته مانند: ما آنها را بردیم. bird=mân-in

ت) در نقش متمم حرف اضافه مانند: به شما می‌گویم pê=tân â-lê-m

مکنزی (همان: ۷۸) در مورد پسوندهای ضمیر شخصی در نقش اضافی، بیان می‌کند که این پسوندها بلافاصله بعد از اسمی که با آن رابطه اضافی دارند قرار می‌گیرند؛ در حالی که همین ضمائر در سایر نقش‌های مذکور می‌توانند در جایگاه‌های دیگر مانند ابتدای جمله ظاهر شوند. اگر در ابتدای جمله اسم، صفت، ضمیر دارای نقش مفعول یا متمم حرف اضافه باشد پسوند ضمیر شخصی بلافاصله به این کلمات می‌چسبد.

4. a. la êma=tân war girt.

"آن را از ما پس گرفتید." گرفت پس واژه‌بست ۲ش ج = ما از

b. am pâra=ya=t čôn čin kawtuwa.

"این پول را چگونه به دست آورده‌ای؟" افتاد چنگ چطور واژه‌بست ۲ش م = اشاره = پول این

اگر فاعل یا گروه حرف اضافه در نقش افزوده (adjunct) در ابتدای جمله قرار گیرد، پسوندهای ضمیر شخصی آنها را نادیده گرفته و به آنها نمی‌چسبند.

5. a. êwa la êma=tân war girt.

"شما آن را از ما پس گرفتید." گرفت پس واژه‌بست ۲ش ج = ما از شما

b. ba pêy qânûn êwa la êma=tân war girt.

"شما بر اساس قانون آن را از ما پس گرفتید." گرفت پس واژه‌بست ۲ش ج = ما از شما قانون اساسی بر

در صورتی که فعل تنها عنصر جمله باشد، پسوندهای ضمیر شخصی به نشانه‌های نفی، استمراری، امری یا اخباری که قبل از فعل قرار می‌گیرند می‌چسبند، در غیر این صورت به ستاک فعل اضافه خواهد شد.

6. a. râ=m	na-a-kird.	کرد- استمراری- نفی	" نمی‌دویدم."
		واژه‌بست اش م= دو	
b. war=tân	na-girt.	گرفت- نفی	" تحویل نگرفتید."
		واژه‌بست اش ج= تحویل	
c. na=m	a-kird.	کرد- استمراری	" انجام نمی‌دادم."
		واژه‌بست اش م= نفی	
d. a=m	kird.	کرد	" انجام می‌دادم."
		واژه‌بست اش م= استمراری	
e. kird=m			" انجام دادم."
		واژه‌بست اش م= کرد	
f. kird-uw=mân-in.		ش ج- واژه‌بست اش م= ماضی نقلی- کرد	" ما آنها را انجام داده‌ایم."

پسوندهای ضمیر شخصی که به موضوع‌های فعل حساس هستند، نمی‌توانند به فاعل یا افزوده‌ها اضافه شوند. اگر قیدهای مقدار در ابتدای جمله قرار گیرند، در بعضی موارد این عناصر می‌توانند آنها را به عنوان میزبان انتخاب کنند مانند:

7. zô hâz la gôt a-kird.

" او گل را خیلی دوست می‌داشت." کرد- استمراری گل از علاقه واژه‌بست اش م= زیاد
در این زبان علاوه بر پسوندهای ضمیر شخصی، گروه دیگری از ضمیر متصل وجود دارند که مکنزی آنها را به سه دسته وندهای شخصی زمان حال، وندهای شخصی زمان گذشته و وندهای شخصی فعل ربطی دسته‌بندی می‌کند. هر چند این وندها از چند جهت به هم شبیه هستند و یکسان عمل می‌کنند اما در برخی مواقع متفاوتند و از این نظر در تحقیقات زبان شناسی دارای اهمیت هستند.

مکنزی وندهای شخصی زمان حال را در زبان کردی سورانی دارای پنج صیغه می‌داند که تکواژ آنها در صیغه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع یکسان است. در این مقاله تغییرات آوایی و تکواژگونگی وندها را نادیده می‌گیریم و این تغییرات را به مطالعات بعدی موکول

خواهیم کرد. وندهای شخصی زمان حال به ترتیب عبارتند از:

8. -im(m) -î(t) -ê(t) -în in

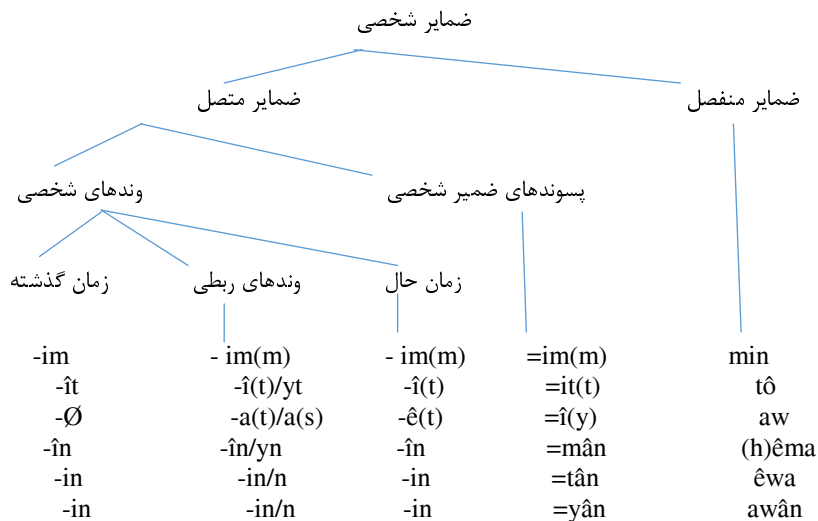
به نظر ایشان فعل ربطی (بودن) با استفاده از وندهای شخصی به صورت زیر بیان می شود. همانطور که می بینید وند صیغه سوم شخص مفرد دارای دو تکواژگونه است که این وندها را از گروه زمان حال متمایز می سازد.

9. -im/m -î(t)/yt -a(t)/ a(s) -în/yn -in/n

مکنزی گروه آخر وندهای شخصی را به زمان گذشته مربوط می داند که تنها تفاوت این گروه با وندهای زمان حال در سوم شخص مفرد می باشد. در زمان گذشته وند شخصی سوم شخص مفرد به صورت تهی بوده و به صورت (Ø) مشخص شده است.

10. -im -ît -Ø -în -in

اکنون بر اساس آنچه تا به حال بیان گردید، می توان ضمایر شخصی را در زبان کردی به صورت زیر خلاصه کرد:



همان طور که گفته شد واژه‌بست‌های ضمیری در زبان کردی سورانی دارای توزیع گوناگون می باشند و می توانند پس از فعل، حروف اضافه و اسم ظاهر شوند. در این مقاله توجه اصلی خود را به تعامل بین حروف اضافه و ضمایر متصل معطوف می کنیم و بررسی مقولات دیگر را به مطالعات بعدی موکول خواهیم کرد.

15. a. $ba/ *pê\ t\hat{o}=m$ wet. "به تو گفتم."
 واژه‌بست اش م = تو به گفت

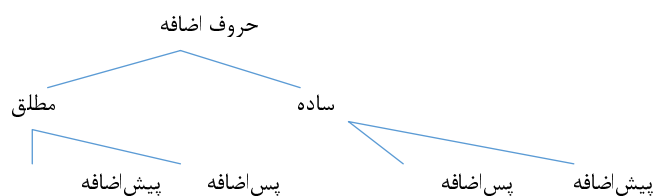
b. $ba/ *pê\ pyaw=a\ gawr=ak-\hat{a}n=i\ am\ garak=a=m$ wet.
 گفت واژه‌بست اش م = اشاره = محله این اضافه = جمع - معرفه = بزرگ اضافه = مرد به
 "به مردان بزرگ این محله گفتم."

در بخش پیشین یادآور شدیم که در زبان کردی سورانی، علاوه بر اسم‌ها و ضمائر منفصل ضمائر متصل نیز وجود دارند که می‌توانند نقش‌های گروه اسمی را داشته باشند. برای نمونه ضمائر متصل را در قالب مثال‌های شماره (۱۱) بیان می‌کنیم.

16. a. $*ba/ p\hat{e}=t=im$ wet. "به تو گفتم."
 واژه‌بست اش م = واژه‌بست اش م = به گفت

b. $*ba/ p\hat{e}=y\hat{a}n=im$ wet. "به آنها گفتم."
 واژه‌بست اش م = واژه‌بست اش ج = به گفت

با توجه به آنچه گفته شد؛ به این نتیجه می‌رسیم که پسوندهای ضمیر شخصی تنها همراه با صورت‌های مطلق و صورت‌های مطلق فقط به عنوان متمم حروف اضافه مطلق بکار می‌روند. آرایش حروف اضافه را می‌توان به صورت این نمودار نشان داد.



($p\hat{e} - l\hat{e}$) -ê -a (ba- la - bô- tâ/hatâ- bê- lagał- baraw)

۴- تعامل حروف اضافه و واژه‌بست‌ها

در بخش دوم نشان دادیم که ضمائر در زبان کردی سورانی به دو صورت منفصل و متصل ظاهر می‌شوند. ضمائر متصل به پسوندهای ضمیر شخصی و وندهای شخصی تقسیم می‌شوند. نقش‌هایی را که گروه‌های اسمی دارند می‌توانند می‌پذیرند. در بخش سوم در مورد انواع حروف اضافه بحث کردیم و یادآور شدیم که حروف اضافه به دو دسته‌ی ساده و مطلق تقسیم می‌شوند؛ که هر کدام از آنها می‌توانند به صورت پیش‌اضافه یا پس‌اضافه در جمله

ظاهر شود. اما در این قسمت برآنیم تعامل بین حروف اضافه و واژه‌بست‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. با نگاهی دقیق‌تر به جمله‌های زیر متوجه خواهیم شد که ممکن است ضمائر به صورت‌های متصل یا منفصل به عنوان متمم حرف اضافه در جمله ظاهر شوند. داشتن چنین قابلیت‌هایی ما را بر آن می‌دارد تا در تعامل و توزیع آنها با حروف اضافه اندکی تامل کنیم:

17. a. la êma=y sand-in.

"او آنها را از ما گرفت." ۳ش ج-گرفت واژه‌بست ۳ش م=ما از

b. dâ-n=î ba êma.

"او آنها را به ما داد." ما به واژه‌بست ۳ش م=۳ش ج-داد

c. min kiteb=aka a-da-m=a Mina.

"من کتاب را به مینا می‌دهم." مینا پس‌اضافه=۱ش م-داد-اخباری معرفه-کتاب من

d. aw kiteb=ak-ân=î dâ ba mindât=ak-ân.

"او کتاب‌ها را به بچه‌ها داد." جمع-معرفه=بچه به داد واژه‌بست ۳ش م=جمع-معرفه-کتاب او

e. Aw kiteb=ak-ân=î la mindal=a buček=ak-ân sand.

گرفت جمع-معرفه=کوچک اضافه=بچه از واژه‌بست ۳ش م=جمع-معرفه=کتاب او
"او کتاب‌ها را از بچه‌های کوچک گرفت."

در مثال (a-17) گروه حرف اضافه در ابتدای جمله قرار گرفته است و حرف اضافه از نوع ساده و متمم آن ضمیر منفصل اول شخص جمع است که بلافاصله بعد از حرف اضافه آمده است. در مثال (b) نیز گروه حرف اضافه از حرف اضافه ساده به همراه ضمیر منفصل تشکیل شده و در انتهای جمله قرار گرفته است. در مثال (c) گروه حرف اضافه (a Mina) است و حرف اضافه ساده به صورت پس‌اضافه به فعل چسبیده است. در مثال (d) حرف اضافه ساده و یک اسم گروه حرف اضافه را تشکیل داده‌اند ولی در مثال (e) حرف اضافه ساده همراه با گروه اسمی آمده است. بنابراین حروف اضافه ساده، اسم، گروه اسمی یا ضمیر منفصل را به عنوان متمم برمی‌گزینند. حروف اضافه و متمم همواره در کنار هم قرار می‌گیرند و در صورت جدا شدن آنها جمله غیر دستوری خواهد شد.

18. a. êma tô bô aw a-nir-in.

"ما تو را پیش او می‌فرستیم." ۱ش ج-فرستاد-اخباری او پیش تو ما

*b. êma tô aw bô a-nir-in.

"ما تو را پیش او می‌فرستیم." ۱ش ج-فرستاد-اخباری پیش او تو ما

* c. êma tô bô a-nir-in=it.

" ما تو را را پیش او می‌فرستیم. " واژه‌بست ۳ اش م=اش ج- فرستاد- اخباری پیش تو ما در مثال (18-a) حرف اضافه ساده و ضمیر منفصل در کنار هم قرار گرفته و جمله دستوری است. در مثال (b) متمم حرف اضافه به قبل از حرف اضافه و در مثال (c) همین عنصر به انتهای جمله حرکت کرده است که در هر دو مورد جمله غیر دستوری است. بنابراین باید پذیرفت که حرف اضافه ساده و متمم آن باید همواره در کنار هم قرار گرفته و متمم نمی‌تواند از جایگاه اصلی خود حرکت کند. نکته دوم این است که متمم آنها همیشه گروه اسمی است و نمی‌توانند ضمائر منفصل را به عنوان متمم بپذیرند.

19. a. *la=mân=î sand-in.

" او آنها را از ما گرفت. " ۳ اش ج- گرفت واژه‌بست ۳ اش م= واژه‌بست ۳ اش ج= از

b. dâ-n=î ba=mân.

" او آنها را به ما داد. " واژه‌بست ۳ اش ج= به واژه‌بست ۳ اش م= ۳ اش ج- داد

در مثال (19-a) پسوند ضمیر شخصی به عنوان متمم در کنار حرف اضافه ساده قرار گرفته ولی ساخت حاصل شده غیر دستوری است. اگر همین مثال را با (17-a) مقایسه کنیم؛ خواهیم دید که تنها تفاوت این دو جمله این است که در (17-a) متمم به صورت ضمیر منفصل و در مثال (19-a) به صورت ضمیر متصل آمده است. در مثال (19-b) همچون (17-b) گروه حرف اضافه در انتهای جمله قرار گرفته ولی به دلیل هم‌نشینی حرف اضافه ساده و پسوند ضمیر شخصی در نقش متمم جمله غیر دستوری شده است. در صورت تغییر به ضمیر منفصل مانند (17-b) جمله دستوری خواهد شد. اکنون بحث را با تعامل حروف اضافه و ضمیر متصل با مثال‌های زیر ادامه خواهیم داد.

20. a. pê=mân=î dâ-n.

" او آنها را به ما داد. " ۳ اش ج- داد واژه‌بست ۳ اش م= واژه‌بست ۳ اش ج= به

b. lê=tân=im war na-girt.

" آن را از شما تحویل نگرفتم. " گرفت- نفی تحویل واژه‌بست ۳ اش م= واژه‌بست ۲ اش ج= از

c. dâ-n=î pê=mân.

" او آنها را به ما داد. " واژه‌بست ۳ اش ج= به واژه‌بست ۳ اش م- ۳ اش ج- داد

*d. pê êma=î dâ-n.

" او آنها را به ما داد. " ۳ اش ج- داد واژه‌بست ۳ اش م= ما به

e. lê êwa=m war na-girt.

" از شما تحویل نگرفتم. " گرفت- نفی تحویل واژه‌بست ۳ اش م= شما از

*f. aw kiteb=ak-ân=î dâ pê mindât=ak-ân.

جمع - معرفه = بچه به داد واژه‌بست ۳ش م = جمع - معرفه = کتاب او
" او کتاب‌ها را به بچه‌ها داد."

*g. aw kiteb=ak-ân=î lê mindât=a bchuk=ak-ân sand.

گرفت جمع - معرفه = کوچک اضافه = بچه از داد واژه‌بست ۳ش م = جمع - معرفه = کتاب او
" او کتاب‌ها را از بچه‌های کوچک گرفت."

گروه حرف اضافه در جمله (20-a) دارای حرف اضافه مطلق و پسوند ضمیر شخصی اول شخص مفرد است که به حرف اضافه چسبیده و از نظر واجی پی‌بست (enclitic) می‌باشد. در جمله (b) همانند جمله نخست پسوند ضمیر شخصی به صورت پی‌بست به هسته خود چسبیده است. در مثال (c) نیز همین حالت حاکم است با این تفاوت که گروه حرف اضافه به جایگاه بعد از فعل حرکت کرده است. با توجه به این مثال‌ها درمی‌یابیم که متمم حرف اضافه به صورت واژه‌بست به حرف اضافه - هسته نحوی - چسبیده است. در این مثال‌ها حرف اضافه هسته‌ی گروه است و واژه‌بست‌ها نقش متمم آن را بر عهده دارند که در مجموع یک سازه نحوی را تشکیل می‌دهند. ضمائر متصل در زبان کردی تکیه‌ی واژگانی نمی‌گیرند و باید به یک میزبان اضافه شوند؛ پس این عناصر از نظر واجی ناقص بوده و وابسته به کلمه مجاور خود هستند. در مثال‌های ذکر شده هر سه پسوند ضمیر شخصی به حرف اضافه چسبیده و با هم یک سازه را تشکیل داده‌اند. می‌توان گفت در این مثال‌ها بین سازه‌ی نحوی و سازه‌ی نوایی یا واجی مطابقت (correspondence) وجود دارد. در مثال (d) حرف اضافه مطلق ضمیر منفصل را به عنوان متمم خود انتخاب کرده و سازه‌ی حاصل غیر دستوری است. به همین ترتیب در مثال‌های (e-g) متمم حروف اضافه‌ی مطلق، ضمیر منفصل، اسم و گروه اسمی است که همگی غیر دستوری‌اند. بنابراین در می‌یابیم برخلاف آنچه در مثال (۱۴) ذکر شد، حروف اضافه‌ی مطلق نمی‌توانند متممی از نوع گروه اسمی یا ضمائر منفصل

داشته باشند، بلکه باید همواره ضمایر متصل را به عنوان متمم بپذیرند. آنچه که بین این دو دسته از حروف اضافه مشترک بوده این است که متمم این حروف بعد از حرف اضافه ظاهر شده‌اند و با هم یک سازه نحوی و نوایی را تشکیل داده‌اند. در ادامه با توجه به مثال‌های زیر تعامل بین حروف اضافه مطلق، ضمایر متصل و باهم‌آیی آنها را بررسی خواهیم کرد.

21. a. awân=î lê sand-în.

" او آنها را از ما گرفت." اش ج- گرفت از واژه‌بست اش م= آنها

b. pê=y dâ-in.

" او آنها را به ما داد." اش ج- داد واژه‌بست اش م= به

c. roj bâš=yân pê wit-im.

" آنها به من روز بخیر گفتند." اش م- گفت به واژه‌بست اش ج= خوش روز

d. awân min=yân bô nârd-it.

" آنها من را پیش تو فرستادند." اش م- فرستاد پیش واژه‌بست اش ج= من آنها

e. tô bô=t nârd-in-în.

" تو آنها را پیش ما فرستادی." اش ج- اش ج- فرستاد واژه‌بست اش م= پیش تو

در مثال (21-a) حرف اضافه مطلق به تنهایی در جمله ظاهر شده و فعل جمله پس از آن قرار گرفته است. متمم این حرف اضافه ضمیر متصل (în) است که به صورت وند شخصی در انتهای جمله به فعل اضافه شده است. بنابراین در این جمله متمم حرف اضافه از درون گروه حرف اضافه حرکت کرده و در انتهای جمله به فعل چسبیده است. در مثال (b)، حرف اضافه مطلق همراه با پسوند ضمیر شخصی (=y) که از نظر نحوی فاعل جمله است نه متمم حرف اضافه دیده می‌شود. متمم حرف اضافه به صورت وند شخصی (în) حرکت کرده و به فعل جمله چسبیده است. در مثال‌های (c-e) به همین شکل متمم حرف اضافه از گروه نحوی خود جدا شده و به انتهای جمله حرکت کرده است. در همه‌ی این مثال‌ها جهت حرکت متمم حرف اضافه به سمت راست، باعث می‌شود که این عنصر به صورت غیر موضعی (non-local) تجلی یابد و هسته و وابسته از هم جدا شوند. به عبارت دیگر، متمم حرف اضافه باید به فعل اضافه شود و آن را به عنوان میزبان برگزیند. حرکت متمم به سمت فعل باعث شده است که بین ساخت نحوی و ساخت نوایی عدم مطابقت ایجاد شود و با حرکت به سمت فعل این عناصر برای نمود آوایی به فعل وصل می‌شوند و از نظر واجی فعل میزبان آنها خواهد بود. می‌توان چنین ادعا کرد که متمم‌های حروف اضافه‌ی مطلق به صورت موضعی (local) و غیرموضعی تجلی می‌یابند که در موارد گفته شده تجلی غیر موضعی به سمت راست جمله بوده است. تعامل بین حروف اضافه مطلق و واژه‌بست‌ها به همین جا ختم

نمی‌شود. اگر مثال‌های (20-a) و (21-b) را با هم مقایسه کنیم پی خواهیم برد که در مثال اول متمم حرف اضافه به صورت موضعی در کنار حرف اضافه و در دومی به صورت غیر موضعی، بعد از فعل تحقق یافته است. نکته قابل توجه این است که در مثال اول متمم از گروه پسوند ضمائر شخصی می‌باشد در حالی که در مثال دوم متمم به گروه وند شخصی تعلق دارد. بنابراین پسوند ضمیر شخصی همزمان با حرکت به سمت فعل تغییر ماهیت داده و به وند شخصی بدل شده است که این یکی از نکات قابل توجه این تعامل است. تا بحال در مورد تعامل بین واژه‌بست و حرف اضافه به چند نکته مهم به ترتیب زیر دست یافته‌ایم: ۱. متمم حرف اضافه مطلق تنها باید ضمیر متصل باشد. ۲. متمم حرف اضافه مطلق می‌تواند به صورت موضعی و غیر موضعی تحقق یابد. ۳. ضمیر شخصی با حرکت به سمت فعل تغییر ماهیت داده و به وند شخصی تبدیل می‌شود.

در ادامه به ذکر مثال‌هایی که به جایگاه دوم (second position) معرفاند می‌پردازیم که در آنها وابسته حروف اضافه مطلق به سمت چپ- ابتدای جمله- حرکت می‌کنند.

22. a. êma tô=î bô a-nir-in.

" ما تو را پیش او می‌فرستیم." اش ج- فرستاد- اخباری پیش واژه‌بست ۳ش م= تو ما

b. dâ=mân-n=ê

" ما آن را به آنها دادیم." پس اضافه= ۳ش ج- واژه‌بست ۱ش ج= داد

c. êma kiteb=aka=t pê a-da-in.

" ما کتاب را به تو می‌دهیم." اش ج- داد- اخباری به واژه‌بست ۲ش م= معرفه- کتاب ما

در مثال (22-a) واژه‌بست (î) به عنوان متمم به سمت چپ حرکت کرده است و به ضمیر منفصل (tô) که دارای نقش مفعول می‌باشد، اضافه شده است. در مثال (b) پس اضافه ی (-ê) وجود دارد که هم حرف اضافه و هم متمم آن به فعل جمله اضافه شده‌اند. در مثال (c) نیز متمم حرف اضافه به سمت چپ حرکت کرده و به گروه اسمی که دارای نقش مفعولی می‌باشد، اضافه شده است. به صورتی که در همین مثال، متمم قبل از حرف اضافه قرار گرفته است. نکته قابل توجه در حرکت واژه‌بست‌ها در نقش متمم حرف اضافه- به سمت چپ- این است که متمم فقط می‌تواند بلافاصله قبل از حرف اضافه قرار گیرد و نباید هیچ سازه‌ای بین این دو عنصر قرار گیرد. در واقع می‌توان گفت حرکت متمم به سمت چپ حرکتی موضعی و کوتاه است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که حرکت واژه‌بست‌ها به سمت راست به ماهیت و نوع مقوله میزبان و حرکت به سمت چپ به میزان حرکت و جایگاه

مقوله میزبان حساس است. تا به حال توانسته‌ایم در مورد تحقق واژه‌بست‌ها در سه جایگاه بعد از حرف اضافه، حرکت به سمت راست بعد از فعل و حرکت به سمت چپ بعد از اولین سازه پیش از حرف اضافه به نتایجی دست یابیم. اما در مورد علت و عامل این حرکت‌ها بحث نکرده‌ایم. اگر به مثال‌های (15a-e) دو باره نگاهی بیندازیم، خواهیم دید که در همه این مثال‌ها فعل جمله زمان گذشته است در صورتی که در مثال‌های (17) فعل جمله زمان حال می‌باشد. به پیروی از مکنزی (۱۹۶۱) توزیع واژه‌بست‌ها را در این زبان بر اساس زمان جمله این‌گونه تبیین می‌نماییم:

الف) اگر فعل جمله زمان گذشته باشد متمم‌های حرف اضافه‌ی مطلق باید به سمت راست حرکت کرده و به انتهای فعل اضافه شوند.

ب) اگر فعل جمله زمان حال باشد متمم‌ها به سمت چپ حرکت کرده و بلافاصله به اولین سازه‌ی قبل از حرف اضافه می‌چسبند.

در بخش‌های پیشین، مثال‌های کافی بر اساس این دو اصل ذکر شد. نکته قابل توجه این است که به استثنای فاعل سایر سازه‌های درون جمله می‌توانند میزبان واژه‌بست باشند. بنابراین این واژه‌بست‌ها نه در درون کل جمله بلکه در درون گروه فعلی حرکت می‌کنند و حوزه عملکرد آنها در این زبان گروه فعلی است نه کل جمله. در بخش پایانی آنچه را در مواردی که در مورد واژه‌بست‌ها و حروف اضافه مطلق در زبان کردی سورانی بیان کردیم از دیدگاه کلاونز (۱۹۸۵، ۱۹۹۶) بررسی خواهیم کرد.

۵- دیدگاه کلاونز و واژه‌بست‌افزای زبان کردی

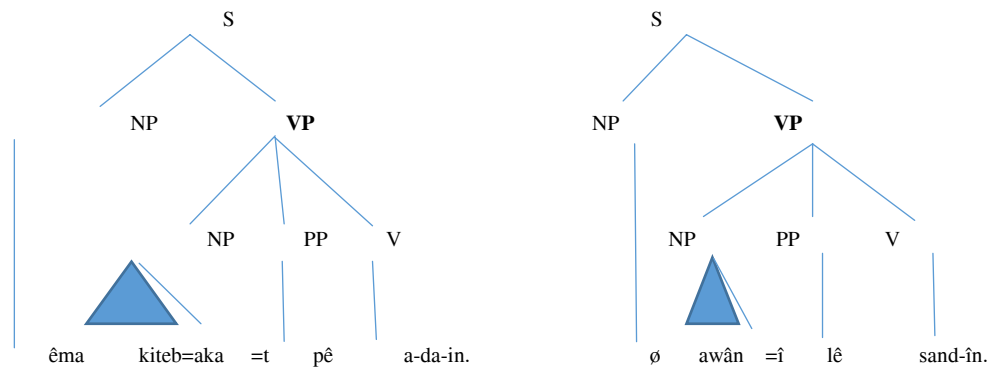
کلاونز (۱۹۸۵ : ۹۸) در باره‌ی حوزه‌ی عملکرد واژه‌بست‌افزایی معتقد است که در نمودارهای درختی گرهی می‌تواند حوزه فرایند واژه‌بست‌افزایی را تعیین کند که جایگاه نحوی واژه‌بست‌ها با توجه به سازه‌های بلافصل این گره مشخص شود. برای نمونه جمله‌ی زیر را از زبان گیامبا (Ngiyamba) ذکر می‌کند. در این نمودار گره مشخص کننده، گره جمله (S) می‌باشد و سازه بلافصل آن که در تعیین جایگاه واژه‌بست در زبان گیامبا اثرگذار است، گره (N³) است. بنابراین به نظر کلاونز واژه‌بست‌افزایی در این زبان در سطح جمله اتفاق می‌افتد:

نوع ۴:	اولین	بعد	پیش‌بست	پسوندها (an) در زبان تیکانو (Tepecano)
نوع ۵:	آخرین	قبل	پی‌بست	واژه‌بست‌ها در زبان گانکارا (Nghanhcara)
نوع ۶:	آخرین	قبل	پیش‌بست	پیش‌فعل در زبان سانسکریت
نوع ۷:	آخرین	بعد	پی‌بست	واژه‌بست‌های ضمیری در زبان اسپانیایی
نوع ۸:	آخرین	بعد	پیش‌بست	نشانه منفی در زبان یونانی

کلاونز در مورد تمایز بین وندها و واژه‌بست‌ها بیان می‌کند که واژه‌بست‌ها در انتخاب میزبان خود از وندها آزادترند. بر نظر ایشان پسوند (ing) در زبان انگلیسی یک وند است که تنها به فعل اضافه می‌شود. در حالی که پسوند مالکیت ('s) یک واژه‌بست به حساب می‌آید و به هر کلمه‌ای که قبل از آن قرار گیرد اضافه می‌شود. در مثال the queen of England's hat میزبان واجی نشانه مالکیت اسم (England) است. در صورتی که در مثال the boy who I saw's mother میزبان واجی فعل (saw) می‌باشد. و به همین ترتیب در مثال the boy I talked to's sister حرف اضافه میزبان می‌باشد. کلاونز معتقد است که با وجود تفاوت میزبان در این مثال‌ها حوزه عملکرد واژه‌بست‌ها - گروه اسمی - در همه موارد مشترک است و واژه‌بست‌ها به حوزه عملکردشان حساس هستند نه به مقوله میزبان واجی.

نکته دیگری که کلاونز در ارتباط با واژه‌بست‌افزایی یادآوری می‌کند؛ این است که در زبان انگلیسی گروه اسمی میزبان در حوزه عملکرد نشانه مالکیت باید دارای مشخصه (+GEN) باشد تا واژه‌بست مالکیت بتواند آن را به عنوان میزبان انتخاب و بر اساس پارامتر اول به اولین سازه این حوزه بچسبد. به بیان ساده‌تر، واژه‌بست‌ها باید به بعضی از مشخصه‌های حوزه عملکرد خود دسترسی داشته باشند. کلاونز نوعی دیگر از واژه‌بست‌ها را که به مشخصه‌های حوزه عملکرد خود دسترسی دارند واژه‌بست‌های فعلی در زبان اسپانیایی می‌داند. او معتقد است که در این زبان حوزه عملکرد این واژه‌بست‌ها سطح جمله (S) است و مشخصه (زمان) جایگاه واژه‌بست را در این حوزه تعیین می‌کند به طوری که در فعل‌های بی‌زمان واژه‌بست‌ها بعد از فعل اضافه می‌شوند و در جملات زمان‌دار واژه‌بست‌ها قبل از فعل قرار می‌گیرند.

اکنون به تحلیل واژه‌بست‌افزایی زبان کردی در این چارچوب باز می‌گردیم. در زبان کردی دیدیم که واژه‌بست‌های ضمیری می‌توانند در سطح جمله به همه مقولات به استثنای فاعل جمله اضافه شوند. اکنون به کمک نمودارهای زیر حوزه عملکرد این عناصر را در زبان کردی مشخص می‌کنیم.



۳ش ج- گرفت از واژه‌بست ۳ش م= آنها اش ج- داد- اخباری به واژه‌بست ۲ش م= معرفه- کتاب ما
 " او آنها را از ما گرفت." " ما کتاب را به تو می‌دهیم."

در این مثال‌ها بر اساس تحلیل کلاونز اولین سازه نحوی بلافصل که در تعیین جایگاه واژه‌بست‌ها اثرگذار هستند گروه‌های اسمی (NP) هستند که تحت گره گروه فعلی (VP) قرار گرفته‌اند که در اینجا پررنگ شده‌اند. گره مشخص‌کننده برای حوزه واژه‌بست‌افزایی در این نمودارها گره بالاتر از گروه اسمی یعنی (VP) است نه گره (S). بنابراین حوزه عملکرد این عناصر در زبان کردی گروه فعلی است. حال که حوزه واژه‌بست‌افزای معلوم شد می‌توان با استفاده از پارامترهای اول تا سوم توزیع و جایگاه آنها را در این حوزه مشخص کرد. بر اساس پارامتر اول واژه‌بست‌ها می‌توانند به اولین یا آخرین سازه حوزه مورد نظر اضافه شوند. پارامتر دوم معلوم می‌کند که آیا واژه‌بست به قبل یا بعد از سازه تعیین شده اضافه شود و پارامتر سوم اتصال واجی آن را مشخص می‌کند. گفتیم که واژه‌بست‌های ضمیری که نقش متمم حروف اضافه مطلق دارند می‌توانند در دو جهت راست و چپ حرکت کنند. میزان حرکت این عناصر در حوزه عملکرد واژه‌بست‌ها در این زبان در سطح گروه فعلی صورت می‌گیرد و نمی‌توانند فراتر از آن حرکت داشته باشند. جهت حرکت این عناصر به سمت راست یا چپ صورت می‌گیرد که به کمک پارامتر اوا سازه میزبان این عناصر در ابتدا یا انتهای این حوزه مشخص می‌شود. در صورت حرکت به سمت راست به آخرین سازه و حرکت به سمت چپ به اولین سازه حوزه گروه فعلی اضافه می‌شوند. بنابراین حرکت واژه‌بست‌های ضمیری در این زبان از نوع حرکت به سمت اولین یا آخرین سازه می‌باشد. نشان دادیم که در این زبان جهت حرکت این عناصر زمان فعل تعیین می‌کند و این همان مشخصه‌ای است که کلاونز معتقد است واژه‌بست‌ها می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند اگر زمان گروه فعلی گذشته باشد،

حرکت واژه‌بست در جهت راست و اگر زمان حال باشد جهت حرکت به سمت چپ خواهد بود. بنابراین در سطح گروه فعلی مشخصه (زمان) در جهت حرکت واژه‌بست‌ها تاثیرگذار است. اگر زمان جمله گذشته باشد، جهت حرکت به سمت راست آخرین سازه حوزه گروه فعلی خواهد بود یعنی به فعل اضافه می‌شود. این نوع حرکت واژه‌بست‌ها در زبان کردی متناسب با واژه‌بست نوع هفتم (نوع ۷) در جدول کلاونز خواهد بود که در آن پارامتر اول مشخصه آخرین، پارامتر دوم مشخصه بعد و پارامتر سوم مشخصه پی‌بست را برگزیده است. اگر زمان گره تعیین شده حال باشد واژه‌بست مورد نظر از نوع شماره سه (نوع ۳) خواهد بود که در آن پارامتر اول مشخصه اولین، پارامتر دوم مشخصه بعد و پارامتر سوم مشخصه پی‌بست را انتخاب کرده است. اگر دو نوع (۳) و (۷) را در زیر با هم مقایسه کنیم خواهیم دید که تفاوت این دو نوع از واژه‌بست‌افزایی فقط در پارامتر اول است و پارامترهای دوم و سوم کاملاً یکسان هستند. می‌توان گفت حرکت مشخصه زمان تنها بر تعیین مشخصه پارامتر اول تاثیر دارد و پارامترهای دوم و سوم به این مشخصه حساس نیستند.

نوع ۷: پارامتر اول: آخرین

پارامتر دوم: بعد

پارامتر سوم: پی‌بست

نوع ۳: پارامتر اول: اولین

پارامتر دوم: بعد

پارامتر سوم: پی‌بست

نتیجه

در این مقاله تلاش نمودیم تا ویژگی‌های حروف اضافه را در زبان کردی سورانی از لحاظ واژه‌بست بودن یا نبودن و موضعی یا غیر موضعی بودن متمم‌شان به دو دسته حرف اضافه ساده و مطلق طبقه‌بندی نماییم. در صورت حرکت این متمم‌ها به سمت راست فعل جمله و در صورت حرکت آنها به سمت چپ اولین سازه حوزه گروه فعلی را برای میزبان انتخاب خواهند کرد. همچنین یادآور شدیم که حرکت متمم‌ها در چارچوب نظریه‌ی کلاونز به خوبی قابل اثبات است. حرکت به سمت فعل در راستای واژه‌بست نوع (۷) و حرکت به سمت چپ در راستای نوع (۳) می‌باشد و تنها تفاوت این دو نوع واژه‌بست در مشخصه‌های اولین / آخرین از پارامتر اول می‌باشد.

پی نوشت ها

^۱. گویشی سورانی به همراه گویش کرمانجی دو شاخه اصلی زبان کردی می‌باشند. گویشی سورانی در استان کردستان و بخش‌هایی از آذربایجان غربی به آن تکلم می‌شود. ما در این مقاله گویشی کردی سورانی را به اختصار کردی سورانی می‌نامیم.

کتابنامه

- شقاقی، ویدا. (۱۳۷۶). «واژه‌بست چیست؟»، مجموعه مقالات سومین همایش زبان‌شناسی، به کوشش محمد دبیر مقدم و یحیی مدرس، دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه علوم انسانی، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۶). «پی‌بست‌های ضمیری در زبان فارسی»، *مجله علوم انسانی*، ویژه‌نامه زبان و ادب (۲)، دانشگاه بوعلی سینا، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۹-۳۹.
- _____ (۱۳۸۹). «واژه‌بست‌های فارسی در کنار فعل»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال دوم، شماره دوم، صص ۷۵-۸۵.
- Anderson, Stephen R. (2005). *Aspects of the Theory of Clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, Geert (1996), "Cliticization as prosodic integration: The case of Dutch", *The Linguistic Review* 13: 219-42.
- Borer, Hagit. (1981). *Parametric variations in clitic configurations*. MIT dissertation.
- Bošković, Željko (2000), "Second position Cliticization: Syntax and/or phonology?" in Beukema and den Dikken (2000), 71-119.
- (2001), *on the nature of the syntax-phonology interface* (Oxford: Elsevier Science Ltd.).
- Crysmann, Berthold. (1999). Morphosyntax paradox in fox. In *Constraints and Resources in Natural Language Syntax and Semantics*, pages 41-61. Stanford: CSLI Publications.
- Crysmann, Berthold. (2003). Clitics and coordination in linear structure. In *Clitics in Phonology, Morphology, and Syntax*, pages 121-159. Amsterdam: John Benjamin's.
- Edmonds, C. J. (1955). Prepositions and personal affixes in southern Kurdish. In *BSOAS XVII*, vol. 3, pages 490-502.

- Halpern, Aaron (1992), "Topics in the Placement and Morphology of Clitics". Ph.D. thesis, Stanford University, CA.
- Klavans, Judith L.(1982), *some problems in a theory of clitics* (Bloomington: Indiana University Linguistics Club).
- (1985), "The independence of syntax and phonology in Cliticization", *Language* 61: 95–120
- Kathol, Andreas. (2000). *Linear Syntax*. Oxford: Oxford University Press.
- Luis, Ana and Andrew Spencer.(2004). A paradigm function account of mesoclysis in European Portuguese. In *Yearbook of Morphology*, pages 177–228. Dordrecht: Springer.
- Mackenzie, D. N. (1961). *Kurdish Dialect Studies*. Oxford: Oxford University Press.
- Miller, Philip H. and Ivan A. Sag. 1997. Satisfying constraints on extraction and adjunction. *Natural Language and Linguistic Theory* 15:573–639.
- Zwicky, Arnold. (1977). *on Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.